

سرمقاله

سنار یوهای اقتصادی ایران در سال های آتی ادامه از صفحه یک...
به ویژه با توجه به رویکرد تهاجمی ترامپ، اثرات روانی عمیقی بر بازارهای مالی گذاشته‌اند، به گونه‌ای که نرخ ارز و طلا به سرعت تحت تأثیر اخبار سیاسی نوسان می‌کنند. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران پولی و مالی، از بانک مرکزی تا وزارت اقتصاد، تنها می‌توانند با اقدامات کوتاه‌مدت مانند فروش سکه یا کنترل نقدینگی، تا حدی از شدت نوسانات بکاهند. اما متغیر اصلی همچنان خارج از اختیارات آنهاست که تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. در سال‌های اخیر دولت و بانک مرکزی تقریباً تمام ابزارهای موجود برای مدیریت تورم و نرخ ارز را به کار گرفته‌اند، از استقراض از بانک مرکزی تا انتشار اوراق و فروش اموال دولتی. اما اکنون، با تشدید احتمالی تحریم‌ها تحت دولت ترامپ، حتی فروش نفت به صورت محدود نیز ممکن است متوقف شود. در چنین سناریویی، عملاً هیچ مانور اقتصادی‌ای برای سیاست‌گذار باقی نمی‌ماند.
با این حال، بانک مرکزی تاکنون توانسته با کنترل نقدینگی، از افزایش شدیدتر قیمت دلار جلوگیری کند و سیاست‌های انقباضی اخیر مانع از رسیدن نرخ دلار به سطوح بالاتر شده است. برخلاف برخی تحلیل‌ها که مشکلات اقتصادی را صرفاً به افزایش نقدینگی نسبت می‌دهند، معتقدم منشأ اصلی بحران، سیاست‌های مالی نادرست سال‌های گذشته است. در دوران وفور درآمدهای نفتی، فشار گروه‌های ذی‌نفع باعث شد هزینه‌های زائد بسیاری به بودجه تحمیل شود، هزینه‌هایی که هیچ ارتباطی با تولید ملی یا رفاه عمومی نداشتند. این روند، پایه پستی را به شدت گسترش داد و به تورم دامن زد. تا زمانی که ساختار بودجه‌ریزی و نظام اداری اصلاح نشود، کنترل نقدینگی به تنهایی کارساز نخواهد بود. برای سال پیش‌رو، دو سناریو قابل تصور است. اگر تهدیدهای ترامپ عملی شود، درآمدهای نفتی قطع خواهد شد و دولت حتی در پرداخت‌های جاری نیز دچار مشکل می‌شود. اما در صورت بهبود روابط خارجی، شرایط موقتاً بهتر می‌شود، اما وابستگی به نفت و ساختارهای ااراگرد داخلی همچنان آسیب‌پذیری اقتصاد را حفظ خواهد کرد. تنها ابزار باقی‌مانده برای بانک مرکزی، کنترل نقدینگی و مدیریت محتاطانه ذخایر ارزی است. در شرایط بحران، دولت باید با سیاست‌های توزیع عادلانه حداقل‌ها را تأمین کند. اما بانک مرکزی باید با دقت بسیار، در هدررفت ذخایر ارزی جلوگیری نماید. هرگونه تصمیم در این زمینه نیازمند دوری از فشارهای سیاسی و تمرکز بر اصول اقتصادی است.

یادداشت

سناریوی خطرناک آمریکایی – اسرائیلی برای آینده غزه
ادامه از صفحه یک...
واشنگتن آغاز شد. در عراق نیز، با الگوگیری از مدل افغانستان، فردی به ریاست حکومت مجارده شد و تلاش‌هایی برای شکل‌دهی به ساختار غیرنظامی صورت گرفت. اما در غزه، شرایط به کلی متفاوت است. خلع سلاح کامل، مقابله با مقاومت و تحمیل ساختار حکومتی از بیرون، آن‌گونه که در افغانستان یا عراق ممکن بود، در غزه به دلایل متعدد، عملاً غیرقابل تحقق است. یکی از اهداف اساسی آمریکا و اسرائیل، خلع سلاح کامل غزه و از میان برداشتن گروه‌های مقاومت حماس است. این پویایی درونی، نقطه شکست تحلیل‌های ساده‌انگارانه‌ای است که نسخه‌های خارجی دولت جدید، از سوی مخالفان داخلی و منطقه‌ای نیز با واکنش مواجه شده است. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، از همان ابتدا رویکردی رقابتی نسبت به حاکمیت در غزه داشته و بارها تمایل خود را برای تسلط بر این منطقه ابراز کرده است. مصر و برخی کشورهای عربی نیز در این میان، مواضع خاص خود را دنبال می‌کنند و از آما با متافع مردم غزه همسو نیست. این اختلاف‌ها تنش‌های داخلی و منطقه‌ای، نشانه‌ای از خام بودن طرح آمریکایی‌ها برای آینده غزه است؛ طرحی که نه تنها از درک واقعیت‌های میدانی عاجز است، بلکه نمی‌تواند اجماع سیاسی لازم را نیز به دست آورد. اگر آمریکا واقعاً به دنبال مدیریت وضعیت غزه باشد، مناسب‌ترین گزینه برای آن‌ها همان تشکیلات خودگردان فلسطین است؛ ساختاری که در توافق‌نامه اسلو در سال ۱۹۹۳ بر آن تأکید شده بود. بر اساس مفاد این توافق، تشکیلات خودگردان به رسمیت شناخته شد و هر اقدام خارج از این چارچوب حقوقی و سیاسی، به‌ویژه تلاش برای تحمیل ساختارهای جدید از سوی نیروهای خارجی، می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی به همراه داشته باشد. چنین روندی نه تنها مشروعیت ندارد، بلکه به تعمیق بحران و گسترش بی‌ثباتی در منطقه منجر خواهد شد. با گذشت بیش از یک سال و نیم از آغاز جنگ در غزه، رژیم صهیونیستی همچنان نتوانسته کنترل کامل غزه را به‌دست بگیرد. حملات موشکی از سوی مقاومت ادامه دارد و نیروهای زبده اسرائیل، از جمله تپل گولانی، به جریان نبردهای شهری تلفات سنگینی تحمیل شده‌اند. این نشانه آن است که «پاکسازی کامل» غزه، که در ادبیات نظامی رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود، در عمل هنوز محقق نشده است.

منابع حاصل از مولدسازی باید در خدمت بخش تولید باشد



غلامحسین زارعی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به پیش‌بینی منابع حاصل از مولدسازی دارایی‌های دولت در بودجه سالیانه، اظهار داشت: منابع بودجه سال آینده از محل فروش و مولدسازی دارایی‌های دولت تعیین شده و تکالیفی نیز برای دستگاه‌های اجرایی در این زمینه در نظر گرفته شده است. با این حال، همان‌طور که در سال‌های گذشته نیز تجربه شد، این منابع در عمل چندان محقق نشده‌اند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه تحقق این منابع در سال آینده با این وضعیت نیز بعید به نظر می‌رسد، افزود: دلایل متعددی برای عدم تحقق این هدف وجود دارد؛ مهم‌ترین آن نبود جسارت کافی در میان دستگاه‌های اجرایی برای اجرای این سیاست است. دستگاه‌ها غالباً این اموال را دارایی‌های اختصاصی خود تلقی می‌کنند و به همین دلیل نوعی نگاه بخشی‌نگرانه و مقاومت در برابر واگذاری آن‌ها وجود دارد. وی در ادامه با اشاره به سازوکار فعلی مولدسازی در کشور، گفت: این روند، در واقع نوعی فروش «فروش زیر پا» تلقی می‌شود، مگر آنکه به شکل هدفمند و با در نظر گرفتن اولویت‌ها و کارایی دارایی‌ها، به خصوص اموال بلااستفاده یا فاقد بهره‌وری، مدیریت شود.

بنگاه‌داری، اولویت بانک‌های دولتی شده است



غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره به عملکرد نظام بانکی در تأمین مالی تولید اظهار داشت: در سال‌های گذشته اقداماتی برای صیانت از بانک‌های انجام شده که در مجموع تصمیمات درستی بوده‌اند، از جمله افزایش اختیارات بانک‌ها و کاهش دخالت در امور اجرایی آن‌ها تا با این حال، ما در کشور بر نامه‌هایی برای توسعه و سازندگی داریم و دولت نیز در این مسیر مأموریت‌هایی بر عهده دارد. در این میان، نقش بانک‌ها در تأمین و تجهیز منابع مالی بسیار پررنگ است و جهت‌گیری آن‌ها در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان اینکه عملکرد کنونی بانک‌ها با جریان توسعه‌ای کشور هم‌راستا نیست، افزود: به نظر می‌رسد بانک‌ها در گیر مسائل جانبی و حاشیه‌ای شده‌اند؛ از جمله بنگاه‌های اقتصادی تحت تملک خودشان که عملاً به اولویت اصلی آن‌ها بدل شده‌اند. وی با تأکید بر اینکه انتقادات مطرح‌شده متوجه بانک‌های دولتی و شبه‌دولتی است، گفت: بانک‌های خصوصی وظایف خود را در قبال سهامداران انجام می‌دهند، اما بانک‌هایی که نقششان در تأمین منابع بالاست، در انجام این مسئولیت موفق نبوده‌اند. تاجگردون در پایان خاطر نشان کرد: همچنین بخش عمده فشارهای ناشی از افزایش پایه پولی و نقدینگی، از ناحیه همین بانک‌ها به جامعه وارد می‌شود.

وضعیت صنایع فعال در بازار سهام به مرز هشدار رسید

بورسی‌ها در برزخ خاموشی‌ها



و خودروسازی، از مصرف‌کنندگان عمده برق هستند. قطعی برق می‌تواند موجب کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد این شرکت‌ها شود. در نتیجه، کاهش سودآوری این شرکت‌ها بر قیمت سهام آن‌ها در بورس تأثیر منفی می‌گذارد و موجب کاهش ارزش بازار این شرکت‌ها می‌شود. قطعی برق در کوتاه مدت می‌تواند به طور مستقیم موجب کاهش تولید و توقف خط تولید شرکت‌ها شود. این کاهش تولید می‌تواند باعث کاهش درآمد و سودآوری شرکت‌ها شود. علاوه بر این، برخی از شرکت‌ها مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی برای تأمین انرژی از منابع غیررسمی مانند دیزل ژنراتورها خواهند شد که این امر می‌تواند به افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش سودآوری منجر شود. اثرات قطعی برق در بلندمدت ممکن است پیچیده‌تر باشد. عدم توانایی در تأمین برق به موقع و مستمر می‌تواند موجب افت اعتماد سرمایه‌گذاران به عملکرد شرکت‌ها شود و این مسئله ممکن است به کاهش جذب سرمایه و رشد کند شرکت‌ها منجر شود. علاوه بر این، عدم بهبود زیرساخت‌های انرژی می‌تواند موجب توقف در فرآیندهای توسعه‌ای و نوآوری‌های فناوری شرکت‌ها شود. قطعی برق به‌ویژه بر صنایعی که نیاز به انرژی زیادی دارند، نظیر صنایع پتروشیمی، فولاد و سیمان تأثیرات مستقیم و قابل توجهی خواهد گذاشت. برای مثال، صنایع پتروشیمی و وابستگی زیادی به انرژی دارند، ممکن است در صورت قطعی برق با مشکلات جدی مواجه شوند و سودآوری آن‌ها کاهش یابد. همچنین، صنایع فولاد و سیمان که در فرآیند تولید خود نیاز به انرژی‌های فسیلی و الکتریکی دارند، از تأثیرات قطعی برق بی‌نصیب نخواهند ماند. این تأثیرات به سرعت در ترازنامه شرکت‌ها منعکس می‌شود و منجر به کاهش ارزش سهام آن‌ها

▪ نگاهی بر راهکارهای مدیریت ریسک و کاهش تأثیر قطعی برق بر شرکت‌های بورسی

در شرایط قطعی برق، شرکت‌ها می‌توانند اقداماتی را برای مدیریت ریسک و کاهش تأثیرات منفی بر سودآوری خود اتخاذ کنند. استفاده از دیزل ژنراتورها یکی از این راهکارها است. شرکت‌ها می‌توانند برای تأمین برق اضطراری و جلوگیری از توقف خط تولید، از دیزل ژنراتورها استفاده می‌کنند. هرچند این راهکار در کوتاه‌مدت می‌تواند به کاهش تأثیر قطعی برق کمک کند، اما هزینه‌های بالای سوخت و نگهداری این ژنراتورها می‌تواند به افزایش هزینه‌های عملیاتی منجر شود. ارتقاء سیستم‌های مدیریت مصرف انرژی از دیگر راهکارهای مدیریت ریسک این موضوع محسوب می‌شود. شرکت‌ها می‌توانند با بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از سیستم‌های هوشمند مدیریت انرژی، به کاهش وابستگی به برق شبکه و کاهش تأثیرات قطعی‌های مکرر بپردازند. تنظیم ساعات کاری از دیگر راهکارهای موثر در مدیریت ریسک و کاهش تأثیر قطعی برق بر شرکت‌های بورسی است. در برخی صنایع، مانند صنایع فولادی و پتروشیمی، ممکن است شرکت‌ها ساعات کاری خود را تنظیم کنند تا در زمان‌هایی که مصرف برق در پیک خود قرار دارد، تولید خود را کاهش دهند و از قطعی‌های

باز کردن درهای واردات به ضرر تولید داخل است

پشت پا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

کرد؛ این موضوع قاطع باید چراغ راه تمامی دستگاه‌ها باشد، اما شاهدیم که برخی نهادها بدون هماهنگی، زمینه‌های نابودی ظرفیت‌های داخلی را فراهم می‌کنند. احمدزاده شهرودی گفت: در مقابل این تصمیم ناپایمی، واقعیت‌های میدانی کاملاً متفاوت است؛ زمین‌گیر شدن خطوط تولید، تعطیلی کارگاه‌هایی که ظرفیت اسمی ۲۰ تا ۵۰ درصدی دارند و تهدید اشتغال ده‌ها هزار کارگر و کارآفرین کوچک. بسیاری از این واحدها به دلیل کمبود نقدینگی و هزینه‌های بالای تأمین مواد اولیه، در برابر کالاهای ارزان‌تر خارجی تاب مقاومت ندارند. این کارشناس اقتصادی متذکر شد: وقتی دیوار ممنوعیت برداشته می‌شود، بازار بی‌درنگ به سمت نمونه‌های



وارداتی ارزان و بی‌کیفیت می‌رود و تولیدکنندگان داخلی در گرداب رکود فرو می‌روند. در سال‌های اخیر، قانون حاکمتر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور (ماده ۱۶) با هدف محافظت از صنایع نوپا و کوچک، واردات برخی کالاهای مصرفی را ممنوع اعلام کرده بود. این ممنوعیت، اگرچه کامل نبود، اما تا حد زیادی فضای لازم برای رشد کثیفی بنگاه‌های داخلی را فراهم ساخته بود. حال، با پایان دوره پنج‌ساله این قانون، بدون آنکه ارزیابی درستی از وضع صنایع صورت گیرد، تصمیم به لغو ممنوعیت اتخاذ شد؛ اقدامی که بیش از هر چیز، نشان‌دهنده عمق بی‌توجهی به نیاز واقعی تولیدکنندگان و غفلت از پیامدهای اجتماعی آن است. وی

آقای محمدهادی ملکی، فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۶۳۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی طرح تجهیز شده بمساحت ۰۵-۵۵۷ متر مربع حرجز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود که صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۷۷۲ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۲.۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۲.۲۲ پیروز غلامپور _ رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوچهصفهان

مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۶۰۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۲.۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۲.۲۲ پیروز غلامپور _ رییس اداره ثبت اسناد و املاک کوچهصفهان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوچهصفهان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

گروه اقتصاد کلان: حسین احمدزاده شهرودی، کارشناس اقتصادی در گفتگو با اقتصاد معاصر پیرامون رفع ممنوعیت واردات کالا‌های دارای مشابه داخلی اظهار کرد: تصمیم اخیر مبنی بر لغو ممنوعیت واردات کالا‌های مشابه تولید داخل، در حالی اتخاذ شده که شعار سال «سرمایه‌گذاری برای تولید» و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی رهبر انقلاب، بر حمایت همه‌جانبه از توان داخلی تأکید داشته است. این کارشناس اقتصادی افزود: متأسفانه این اظهار نظر یک مسئول، عملاً ششی سیاست‌گذاری را به سرعت از حمایت هدفمند به تسلیم در برابر واردات بی‌رویه تغییر داد. رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با کارگران، واردات بی‌ضابطه را «آسان‌ترین راه» اما «به‌ضرر کشور» دانستند و هشدار دادند «تضعیف تولید ملی به بیکاری کارگران و خروج سرمایه از کشور خواهد انجامید. وی تصریح و

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کوچهصفهان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای صادره بشماره ۰۸۰-۲۱۰۰۳۶۲۱۸۰۱۴۰۳ مورخه ۱۴۰۳.۰۲.۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کوچهصفهان بخش ۱۰ گیلان خریداری از مالک تصرفات مالکانه بااعراض متقاضی ذیل:

پلاک ۱۹۱۲ فرعی از سنگ اصلی ۴۴ قری به طار مسر مورد تقاضای آقای حسن طار مسری فرزند کاظم به شماره شناسنامه ۱۱ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی طرح تجهیز شده بمساحت ۲۲.۳۸۱۷ متر مربع حرجز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم